

ایران در هفته‌ای که گذشت

آقای هودینگ کارتر «جوگ» می‌گوید!

آقای هودینگ کارتر سخنگوی کاخ سفید واشنگتن این هفته یکی از تاریخی‌ترین جملات دیپلماتی را گفت. او با صراحت که در واقع بیشتر به ولایت شیبه بود اعلام داشت که آمریکا در امور داخلی ایران دخالت نکرده و نخواهد کرد. او به اصطلاح آن تکلیب را در درباره هتداهای آیت‌الله خمینی که بارها درباره دخالت‌های آمریکا در ایران استند انقلابی اخیر مملکت بر زبان آمده اعلام داشت. تکلیب آقای هودینگ در حالی در روزنامه‌ها چاپ شد که سید صدری رئیس خبری‌های سابق و یکی از حیات‌گاران هر روزنامه‌ها در دادگاه انقلابی ایران اعلام کرده که آمریکا و ایران برای سرکوب نیروهای انقلابی یک طرح مشترک ضد انقلاب داشتند. این یکی از صدها و هزاران مورد دخالت متدیفر و غیرمتدیفر آمریکا در امور داخلی ایران است که در بروج خود در مقاله‌ای با بزرگی اعمال آمریکا در ایران بسیار گواهی است اما از آنجا که هر دو این مطالب در یک شماره روزنامه چاپ شده بود چاپ بود.

ما هم می‌گوییم کمیتها باید بمانند

چنانچه که عدای فرصت طلب در این هفته بهره انداختند تا بلکه با سوء استفاده از حوادث و واقع ناخوش‌آیند مربوط به حضرت آیت‌الله طالقانی کمیت‌های انقلابی را منحل و یا حداقل کارشان را محدود کنند تا تأکید بحق آیت‌الله خمینی و تأیید مؤکد آیت‌الله طالقانی در این باره که کمیتها باید بمانند اما باید از عناصر ناپاک که در آنجا نفوذ کرده‌اند تمییز شوند. این مآل باید به تمامیت دست نیابد. کمیت‌های انقلابی و پاسداران انقلاب به عنوان میراث مردمی انقلاب می‌باید به کار خود ادامه دهند و هرگونه توطئه‌ای را برای منحل کردن آن‌ها یا خنثی کردن آن‌ها همینان تأکید کرده‌اند که آن‌ها را با تمام قوا سرنگون کنند. اعلام طرفدار شوراها توسط شوراها منطقی و عوارضی بود و ادامه کار این کمیتها زیر نظر طاعت مستقیم این انجمنها که از برای مردم انتخاب می‌شوند به عقیده ما نیز یکی از انقلابی‌ترین راه‌های مربوط به پاسداران دامن و تمییز کمیت‌های انقلاب و پاسداران انقلاب برای نگهداری و حفظ آن‌ها است. ما آماده هرگونه همکاری در این زمینه هستیم و متکلیف هرچه زودتر این طرح باید به مورد اجرا گذاشته شود و تضمین اقدام شوراها منطقی در شوراها بعد از انجام انتخابات مربوط به مقامات سابق ایران هم می‌گنجد که تک مستقیم خود مردم باشد.

چه کشورهایی زمان ایران را می‌مخزنند؟

سخنمندی دولت در این هفته در برابر تعدادی از سوالات خبرنگاران که ایران با توجه به خواستها و تمایلات مردم طرح می‌کند از دامن خارج صریح خودداری کرد و یا یک کلمه نیت‌نامه و یا نمی‌توانیم بخود را داخل کرد. یکی از این سوالات معلق بود که ایران به‌نحویت که این کمیتها نیت می‌فرماید. آقای امیرانتظام به این سوال پاسخ نداد و این در حالی است که مردم واقف می‌شوند پسندند چه کشورهایی از آنجا نیت می‌مخزند. آنجا تجربه نیک سازهایی داشته در دامن که رژیم پنهان از آن‌ها با منابع طبیعی کشور هرچه قدرتی خواست کرد و مردم را در حلی دانست که در جریان امورشان بگذارد. یکی از مهم‌ترین منابع طبیعی که در سال‌های گذشته غارت شد و مردم را از کم و کسب قراردادهای خارجی‌گانه برای فروش و در اصل حراج آن بیخبر ماندند. همین نیت است که آقای امیرانتظام حاضر نشد بگوید دولت موافق انقلابی آن را به چه کشورهایی می‌فرماید.

رژیم غاصب را از بیخ و بن باید نابود کرد

در حالی که در بسیاری از محافل سیاسی رسمی و غیررسمی هنوز اظهار نظر رسمی دولت توسط سخنگوی آن بر سر تک نظامی کردن فلسطین بر سر زبان‌ها است و هر روز اخبار تکان‌دهنده جدیدی از تجاوز اسرائیل و توطئه در مزارع مشترک لبنان و اسرائیل و اردن و اسرائیل می‌رسد، آیت‌الله خمینی در ملاقات خویش با هیئت روحانی عربستان سعودی روزنامه‌ای واقعی از اسرائیل به دولت سعودی ارائه داد و با صراحت عنوان کرد که مسئله تجاوزات اسرائیل و به‌طور کلی خطر اسرائیل به فلسطین محدود نمی‌شود. این همان نکته‌ای است که می‌باید دولت انقلابی نیز در نظر داشته باشد و سیاست خارجی‌های را بر این اساس بی‌دری کند. حضرت آیت‌الله خمینی در این دیدار گفت در منطقه انقلابی دین می‌شود که موجب شده اسرائیل با جسیت کفش در برابر اعراب با جسیت بیشتر و ساز و برگ استقامتی کند. اسرائیل تنها خواستار نابودی فلسطین نیست او خواستار غلبه بر همه دول اسلامی و مسلمانان منطقه است. باید رژیم غاصب را از بیخ و بن کن و کمانی را که از آنجا پشتیبانی می‌کنند اجازه نداد نشو و نما کنند.

آیت‌الله خلخالی رئیس دادگاههای انقلاب

آیت‌الله خلخالی هفته گذشته در مصاحبه‌ای که در روزنامه‌ها چاپ شد در باره این دادگاهها و دهندهای آن که جمهوری اسلامی ایران می‌باید آنرا دنبال کند تفسیر نظرهای در عنوان کرد که بسیاری از آن‌ها خواست وسیع‌ترین افکار مردم می‌نویسند است که برای انقلاب خون آماده.

آیت‌الله خلخالی در این مصاحبه گفت:

ما می‌خواهیم جمهوری اسلامی بنا کنیم که در آن غارت و چاقاول ثروت ملی وسیع ایرانیان و مردم آن آمریکا از بین برود و برادری و یکسانی برقرار شود و فرقی بین مردم ایران از هر نژادی که باشد نباشد. دشمنان انقلاب ایران در درجه اول سبب سلب هویت ملی و ملی و سیا و ساواک می‌باشد که خود ساواک نوجه آن دو است. عمل سرگردان رژیم شاهنشاهی که به زیاده‌دان تاریخ فرستاده شده است. بقای آن‌ها با آن رژیم سقوط کرده و از بین رفته و دیگر هم برنخواهد گشت با خمیسه ذاتی خود شیعه مشغول تحریکات هستند و گاهی در تهران و شهرستانها به پاسداران حمله می‌کنند و تلفاتی به‌بار می‌آورند. یعنی اقتدار بدعت وارد است. مردم انقلابی طاقانها دارند. دولت توانسته است آن حرکت انقلابی که مردم و امام توقع دارند داشته باشد و شاید عتس این باشد که می‌خواهند از انگلیز دمکراسی غربی استفاده کنند. دولت هم خود اعلام کرده است قدم به قدم حرکت می‌کند اما واقعیت این است که انقلاب خود مسئله قدم به قدم را ترک کرده است. انقلاب بی‌زیغ خاصی دارد. تمییز قاطعانه بدون وقفه به‌نویس که هر نوع بهانه‌گیری را از بین ببرد باید از ویژگی‌های دولت انقلابی باشد. خیلی از اشتکالات هم وارد نیست که چنانچه بازرگان خودش خوب بدان جواب داده است.

دربارہ دادگاههای انقلابی آیت‌الله خلخالی گفت:

دادگاههای سیاسی اسلامی با یک حرکت انقلابی همه قهقه‌های شیعیان امپریالیسم آمریکا و اسرائیل را تفتی برآید کرد و با اعدام مردوران و خیرندان خودفرخته درجه یک رژیم جنایت‌پیشه مستبدانه شیعه خط ارتدابی آمریکا و اسرائیل را بهم بزند و نابود کرد. جنایت‌کاران باید معلوم شود و ترحم بر پلنگت زبردندان روا نیست. آن‌ها را از انقلاب اسلامی سوء استفاده می‌کنند که بر خلاف جمهوری اسلامی هم هستند ولی تا در روز سابق سمارت ایران در این در جریان آن دادگاه گفت ساواک تعدادی

اعتراضات تکانه‌ها

حفاظتی که طی سال‌های گذشته حزب توده ایران بارها آن را با صدای بلند اعلام داشته و نیروهای صدیق و انقلابی را چه در داخل کشور و چه در خارج از وطن آن‌ها کرده بود، سرانجام به‌صورت اعتراضی تکان‌دهنده از دامن یکی از خبردارترین کارکنان ساواک در دادگاه انقلابی بیرون آمد. محمدرضا جواد رئیس اداره سوم ساواک و دبیر اول سابق سمارت ایران در این در جریان آن دادگاه گفت ساواک تعدادی

جرامانوائیست‌ها نقاب عوض کردند؟

محمدرضا جواد مدیرکل ساواک هفته گذشته در دادگاه انقلابی فاش کرد که یکی از مهم‌ترین وثایق پلیس مخفی ایران در خارج از کشور، رخنه در سازمان‌های سیاسی و دانشجویی و ایجاد تفرقه در این سازمانها منظور تصفیف آنها بوده است. این عمل عاقلانه و آشوبگر تصفیف کرد که عوام جاسوسی و آشوبگر ساواک از میان اعضای خود این سازمانها استفاده می‌شدند. یک عدد را در تهران استخدام می‌کردیم و برخی هم خودمان به‌صورت مراجعه می‌کردند و از طریق سفیر یا دیگر افراد استخباراتی می‌آمدند. جوان در دادگاه از روابط نزدیک و همکاری‌های وسیع ساواک با سازمان‌های جاسوسی و امنیتی اسرائیل، آمریکا و آلمان غربی سخن گفت و به‌نیتان‌بهری مطالب روزنامه لیبی «الکفاح العربی» در آفتاب شکیاهی بین‌المللی جاسوسی که تهران یکی از مراکز آن است، بود. روزنامه توطئه‌ای گفت: روزنامه لیبی چند هفته پیش براساس اسنادی که در محل نمایندگی اسرائیل در تهران پیدا شده است اعلام کرد: «نمایندگان سربروی وزیر اسرائیل و چین، جمع‌آوری اطلاعات را همواره با یکدیگر هماهنگ می‌باید می‌کردند. چنانچه اطلاعات خود را از گروه‌های دانشجویی در داخل ایران و سایر جاه‌مطلب رژیم در ایران به‌دست می‌آوردند. با وجود تمامی چین، این خبر از طرف سفارت فلسطین تکذیب نشد و سکوت آمیخته به‌تأیید فلسطینی‌ها، رسوائی شبکه بین‌المللی جاسوسی که در اطلاعاتی مرفعی آن به‌موسسه و «سیا» و سرویس امنیتی ایران و چین وصل بود، امنکسی جاسوسی و تبلیغی.

فدرال، انگلستان و ایالات متحده آمریکا در پاریس ملاقات می‌کنند. چین درحال حاضر بهترین همپیمان امپریالیست است. برخی از جواب انقلاب کوبا، س ۱۷۸) اما آنچه قابل توجه است وجود ریشه‌های سیاسی این شبکه خرابکاری بین‌المللی در قالب گروه‌های رنگارنگ مائوئیستی در میان جنبش مبارزاتی شد می‌نویسند و شد امپریالیستی مردم میهن ما. روزنامه «نیوزلین» چاپ لندن در شماره ۲۱ ژوئیه ۱۹۷۶ خود یک نمونه از نحوه این خرابکاری را منتشر کرد. این روزنامه از زبان یک دانشجو ایرانی نام‌نویس از ساواک (۲۱ ساله) که مدتی در انگلستان به‌دام ساواک افتاده بود فاش کرد که: «بسیار پیشنهاد کردند که به‌تدریج یک گروه مائوئیستی بوجود بیآوریم». این گروه‌های مائوئیستی که به‌نحویت آنرا «طی انقلابی» نامیدند در داخل و خارج کشور فعالیت می‌کنند. کارهای جز این نداشتند که به‌قول جوان، مقام عالی‌رتبه ساواک «برای از بین بردن سازمان‌های چپ، تمام‌عیار تفرقه کنند». و در تصفیف سازمان‌های مخالف رژیم بکوشند.

اما همچنان که بحران مائوئیسم در عرصه جهانی عمیق‌تر می‌شود و چین که از امرواری انقلابی‌گری آغاز کرده بود به تدریج در ورطه اتحاد عریان با امپریالیسم در ارتجاع می‌غلتد، کار مائوئیسم در میان ما نیز به‌ورسنگسگی و افلاس می‌گنجد. در عرصه جهانی در داخل گروه‌های مایل به‌کن در نتیجه قاصد گرفتن از خیالی‌های جاسوسی که در اطلاعاتی مورد انقلابی بودن بدون سازش و پاس از اقداماتی که خود آن‌ها برپایه لاکتیک مائوئیستی انجام می‌دادند، روند‌های برهانی تصدیق گردید. بدینوسیله است که بحران مائوئیسم بین‌المللی بدین‌صورت‌آزادی نیست، اما ویژگی‌های روند کنونی این بحران بدین قرار است: اولاً این بحران به‌طور کلی تصدیق شده و به‌صورت وسیع‌تر و عمیق‌تری گسترش می‌یابد. ثانیاً این بحران به‌شکل گوناگون تظاهر می‌کند. ثالثاً اقدامات گسترده‌ها در مجاری

دانشجو و یا افرادی را به‌نام دانشجو تربیت می‌کرد و برای ایجاد تفرقه در صفوف گروهها و احزاب و بافره کاندیدترین به‌خارج از ایران اعزام می‌داشت. این دانشجویدان به‌اصطلاح «مائوئیست از بیخ» بودند و در چشمتان تندترین پیشنهاد را می‌دادند و زیر مابک انقلابی نهان می‌شدند تا به‌عملیات ترقه‌الکتانیه خود بپردازند اما به‌نقد، حزب توده ایران بارها در این باره هشدار داده بود و حتی در شورای نام‌کنی را که به‌صورت‌تعدادی ایران ارتباط داشتند و برای ساواک جاسوسی می‌کردند فاش کرده بود. تعدادی از همین مستخدمین ساواک زیر نام اندیشه‌های مائوئیست دون کرد اقدام به‌فکشل برود و حزب کرد و توانستند در داخل ایران نیز از این طریق نفوذ کنند و ضربات مهلکی به افراد صدیق و انقلابی براند که توفهات سیروس نهالری و گروهی کشای و فلولی ... است.

محمدرضا جواد در جریان همین دادگاه اعتراف کرد که بین ساواک - هوادار - سیا و سازمان اطلاعاتی آلمان غربی یک پل ارتباطی وجود داشته که عملیات علیه انقلابیون ایران را هماهنگ می‌کردند. جوان در این دادگاه چندبار به واقعیتی اشاره کرد که باید آن را به‌درستی مورد توجه قرار داد و زیر ذرهبان انقلابی‌گدازت و از آن درس گرفت. او گفت: «ما مائوئیست‌ها تلافی می‌کردیم تا از وحدت گروهها جلوگیری کند و به‌این ترتیب با آن‌ها به‌طور جداگانه روبرو شود و زیر ضربه‌فرارشان بدید. این واقعیت اکنون نیز در برابر ماست. ساواک این درس را از استاد گمنام کارش می‌گیرد. آمریکا بخواهد خود و جهان استاد با تجربه و گمنام کار اکنون هم با کمک عواملی که هنوز در داخل ایران دارد بی‌وفه تلاش می‌کند تا در صفوف بهم فرسوده خلق ایران شقاق ایجاد کند و بتواند در نقطه متضبی به انقلاب ضربه بزند. نمونه‌های زیادی از این‌گونه تلافی سازمان‌های جاسوسی آمریکا و دیگر کشورهای غرب به‌کمک سربروردان رژیم گذشته کاملاً به‌چشم می‌خورند و قابل درک است. فراموش رژیم زبانه‌برخورد متضبی و غیرمطمئن می‌باشد. به‌اصطلاح جدا کردن صف متحد و بهم فرسوده توهمای مردم به‌این بهانه - در زمینه‌چینی در مناطق مختلف ایران از جمله کتید و کرمان و ارمینا نقشه برای برپایی جنگ و خویشی و برادرستی به‌پهناشه شیعه و سنی و آذربایجانی و کرد از جمله همین شیوه قدیمی نیست؟ سز شدن دهم گروهک به‌نام مارکسیست و در اصطلاح مردم «دبچه» گوشه دیگری از همین توطئه قدیمی و پراکنده نگه‌داشتن نیروها نیست؟

در همین زمینه دکتر زیدی معاون نخست وزیر طی اظهارنظری که در روزنامه کیهان چاپ شد اعلام داشت که ما و مارکسیست‌ها اختلاف ایدئولوژیک داریم ولی می‌توانیم در یک مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک به‌آن ادامه دهیم ولی درگیری فیزیکی بین مسلمانان و مارکسیست‌ها به‌نفع ما نیست ولی می‌بینیم تحریکات شدیدی هست که عدای را به‌عنوان مسلمان و غیرمسلمان به‌جان هم می‌پزند.

سفیر جدید آمریکا کارشناس توطئه‌گری است؟

مطبوعات ایران در این هفته خبر داده‌اند که به‌زودی سفیر آمریکا در کشور زبیر به‌عنوان سفیر آمریکا در ایران مأموریت خواهد گرفت و عازم محل جدید مأموریت خود خواهد شد. در سال‌های گذشته به‌وضوح ثابت شده است که آمریکا با توجه به شرایطی که بر ایران حاکم بوده سفیر و یا در اصل کارشناس آن شرایط را به‌عنوان سفیر به ایران فرستاده است. مأموریت ویژه ریچارد هلدر در شرایطی که ایران به‌تازمرب منطقه تبدیل شده بود و پایگاه‌های جاسوسی علیه کشورهای همسایه خصوصاً شوروی یکی بعد از دیگری برپا می‌شد. همچنین سرکوب وحشیانه تمام نیروهای انقلابی در کشور روز بود. این همه است. مأموریت آقای سولویان سفیر سابق آمریکا در ویتنام که در سخونت و ایجاد ارتعاب شهرت جهانی دارد نمونه دیگری است. با توجه به این سابقه و با توجه به‌سرکوب نیروهای انقلابی و درهم‌گسستن انقلاب خلق زبیر انتصاب سفیر جدید آمریکا در ایران باید مورد بررسی قرار گیرد. این یک کارشناسی تحریک و توطئه است.

مردم ایران هنوز اخبار مربوط به محلات وحشیانه سربازان بوپوتو (یک کسب سیا) به‌روزترین مردوران آمریکا) با کمک سربازان درود و حرفه‌ای را در توپک سیا استفاده شدند و ارتش زبیر را زیر نظارت سفیر آمریکا یاری کردند به‌عاطر دارند. با توجه به‌همین سابقه انتصاب سفیر آمریکا در زبیر به‌عنوان سفیر آن کشور در ایران مردم ایران را به‌حق نگران کرده است.

چند نکته مهم اصولی برای توجه همه اعضا و دوستان حزب و همه مبارزان انقلابی

نه تنها انقلابی خوب، بلکه همجنبین سیاستمدار خوب!

لینین می گفت تا زمانی که پرلناریا در مقابل بورژوازی که به سیاستمداران یا تجارهای سبزه است، سیاستمداران انقلابی خود را پرورش ندهند، نتوانند موفق شوند. در نبرد فریخ و همه جانبه با این بورژوازی، به پروزی برسد.

این مطلب تنها برای اعضای کشورهای سوسیالیستی، بلکه برای احزاب انقلابی پرلناری نیز صادق است. مورد مورد دوست داشت بگوید: انقلابی باید با خلق گرم و منور عمل کند؛ یعنی شور انقلابی را با خرد سیاسی و قدرت تحلیل علمی براساس واقعیت درآورد. شور و عزم انقلابی، آمادگی برای فداکاری در راه خلق و نبرد با دشمن شرط بسیار ضرورت است ولی البته به معنی خود کافی نیست. تجار طولانی نشان داده است که انقلابیون بی اوقات بهشورهای ماسافانه و حقیقی مجرد و کسلی افکند می کنند و متوجه نیستند که علاوه بر آن، همسایب خونریزانه سیاسی و برتنس واقعات عینی، لازم و مراعات این واقعات عینی در مشی سیاسی دارای ضرورت حیاتی است.

آن تو بیسارک مدراعظم آلمان می گفت: «سیاست فن مکنات است» ما با این اولین بورژوازی موافق نیستیم. مطلقاً گوئید: سیاست حرکت از دورین مکنات بهسوی مصلحت است. مصلحت ما جامعه انسانی شمای است که در آن بهره کشی انسان از انسان و سبزه کشوری در کشور دیگر برانند. ولی اگر شما این مصلحت مقدس را مطلق کنید و به مکنات، یعنی آنچه که بهطور واقع مکتون می توان کرد، بیهتتا باشید، اینکه نمی توانید بدان مصلحت مستجابید. هم مطلق کردن مکنات مارا به اوکترونیسم و فرستالهای بی بدن برسیب می کشاند و هم مطلق کردن مصلحت مارا با همه انجمنی و اندرزگونی کپی و هیاهوی بسیار برای هیچ (به گفته کشیک) سقوط می دهد. دیالکتیک مبارزه همه جانبه از ما می طلبد که ما مصلحت های متضاد را با موفقیت ترکیب کنیم.

لینین می گفت انقلابیون که واژه انقلاب را با خط خالی می نویسند و فراموش می کنند که در فراز و نشیب، بیچاره گاه باید به شیوه انقلابی عمل کرد و گاه به شیوه فرودمیستی (این عین واژه ای است که لینین به کار می برد یعنی تدریجی و گام به گام)، در این کار دگر نبرد خود را خواهند شکست...

روند مبارزه انقلابی روندی است. فریخ که در آن تشریح با غلبه نشینی، جرات نبرد با سیاست سیاسی اقدام سریع و قاطع و شکست طولانی، و غیره، می تواند ضرور گردد و کسی که توانه این ابر حالت متوجع روند انقلابی آماده نبرد از گروهده بهیرون نترسد می شود. باید سرعت تاریخ و شکردهای آن را که گاه عجیب و موقول مولوی «سبب سوز و سبب سازه است همداد و تصور نکرده جاده مبارزه جادمانی است بدون اوچاچها و برنگاهها.

باز لینین که استاد بزرگ استراژی و تاکتیک انقلابی است می گفت که انقلابیون نباید مصلحتی مجرد را جانشین «واقعات مشخص» کنند. حقیقت همیشه مشخص است. آموزش مارکسیسم - لنینیسم اهم نیست و فقط و فقط دراهدانی عمل است. این نکته ایست که آنرا اندیشمندان بزرگ مارکسیستی به قدری تکرار کرده اند. ما مارکسیسم را باید ناقص و جستگ ریخته و طوطی پور و سنجی می آوریم، بلکه باید آنرا جامع و عمیق فراگیریم تا آن را بتوانیم بهدرستی باطنیاتی کنیم.

نکته می گوی در مشی سیاسی انقلابی مبارزات است از پیوند استواری اصولی بازمشی علمی. اگر شما درمبارزه بهعناصر اصول انقلابی سرشتی و استواری عملی ندیده، این روزها بهینزاران تاکتیکاری با دشمنان خلق و دشمن با خلق در خواهد نظید. چیزی که بسیاری از خائنان و مردمان در همین کشور بدان جاوشده اند. آنرا در قبال روش های مخالف، ناگاه چهره اصولی شرم لازم است. ولی شرط کافی نیست. باید اصول انقلابی را پذیریم. میخواستند همیشه قانع، همیشه موفق باشند. اما استواری اصولی شرط لازم است. ولی شرط کافی نیست. باید توانست در عمل، در مقابل واقعاتی که گاه بهرود گسترش کامیابانه هدفهای انقلابی شما نیست، نرزش برنخیز داد: نرزش و نه تسلیم. نرزش و نه ماسزگی. نرزش و نه بهنایزهای فرستالنه. مارکسیسم - لنینیسم نقطه نظر نرشی و مازشی را که بهسود میسر است. متری است. رد نمی کند، بلکه آنرا اکیداً توصیه می کند. لینین در کتاب «دیپاری کردگی» برای این مطلب نقلی خاص می گوید: «سیاست است»

همین نکته است که تعیین مشی صحیح انقلابی و عمل بدان را دشوار می کند و خرد سیاسی را ضرور می آورد. شناخت درست نیروهای اجتماعی، دیدن گرایشهای رشد نیروها و حوادث، شناخت درست خود، برهاندانان و کپیها ندانن بهمنش و بهعود، آمادگی برای جرشش جوانان (که گاه نامطلوب است) و غیره و غیره، خاصس عهده تعیین یک مشی صحیح است. این کار شناختاری و احساناتی برمی آید. لازم این کار هم آگاهی دقیق از تئوری انقلابی، هم داشتن تجربی سیاسی و هم سنجش بودن بهاراده حکم برای عمل است.

انقلابی واقعی بودن، وظیفه مقدس و کار دشواری است. بهویژه برای کسانی که باز رهبری را در مبارزات انقلابی برده اند. سیاستمدار انقلابی باید قادر باشد ماهیت امور را از ورای ظواهر ببیند. مابین بود و نبود، پدیده و ماهیت گاه تفاوت است. در قرآن این نکته نیک بیان شده است: «فصلی ان یجیب شیئا و هو کلمه لکم و کلمه

آن کلمه شیئا و هو کلمه لکم، یعنی ای چنانچه که چیزی را دوست می دارید، ولی آن چیز برای شما شیئا نیست و این چنانچه از چیزی کرامت دارید، و آن چیز برای ما چنانچه نیست. سیاستمدار انقلابی باید جوانان عهده را از غیر عهده (با فرعی) تشخیص دهد. باید در مرحله پهنه عهده، حلقه، طبقه، طبقه و وظیفه ای که باید بدان تکیه کرد جست. در مقابل باید عهده بقیه امور فرعی است. نمی توان در امور غیرعهده و فرعی فرق شد و عهده را فدای آن کرد. تشخیص بکنه عهده، حلقه، طبقه، وظیفه اساسی در حصر دوران و تکیه بر آن خون کاری است دشوار که تنها بهکدام تحلیل علمی و جیمی می توان بدان دست یافت.

مبارزه علیه امپریالیسم و عمل آن برای ایجاد ایران مستقل و دمکراتیک مسئله عهده مرکزی است که باید همه نیروهای مترقی را برای دراز مدت (و نه برای مدت کوتاه) به موقت تاکتیک (در یک جبهه خلقی متحد سازد. سیاستمدار انقلابی باید آخرنگر باشد. رشد حوادث را در آینده در نظر بگیرد و در زمان حاله مشترک نگراند.

مولوی می گفت: مرد آخر بین مبارک بندهایست زیرا آنچه چیزی مهم نیست که هم اکنون وجود دارد. آنچه چیزی مهم است که در حال رشد و گسترش است و تکیون نهانی خود را می کند که در حال رشد و گسترش است و تکیون نهانی خود را می کند.

بموقعی که آیا حیاس را کرده اند؟ آیا مدارکات علمی مطابق با آنرا بهود می فرام آورده اند؟ بدترین بلیه برای انقلابی ساده کردن حوادث، ندیدن وظیفه عهده، ندیدن ماهیت درونی رویداد، عدم حساب گرایشهای رشد، حل مسائل براساس شوهرها و احساسات و تبدیل دیالوگ خونریزانه با متعاندن و مخالفتان بهبولیک سرشار از طنز و هو و متک و جنجال و فحش و برچسب است.

بمقول سعدی: دلایل قوی باید و معنوی نگرهای گردن به معنوی قوی. افسوس که این مصلحت هنوز در جنبش انقلابی کشورها نمودارهای فراوان دارد. در حقیقت برامت که آنرا را تا آنجا که می توانیم حل کنیم و الا دانسته یا ندانسته بهسود دشمن طبقه، بهسود ضد انقلاب عمل کرده اند. حسن بیت و مصادقت در اینجا نفی ندارد زیرا بهعنوان معروف کرده ام با حسن نیت فرشی کرده اند! خاطر انقلابی روس نکراف شری دارد که بویسته این منظور آنرا را با مراعات شکل اصلی، زمانی چیزی ترجمه کرده است: «دلیله ممکن است توفیقه دقیق، ولی از کلمات تحقیق، احتیاط احتیاط، احتیاط (وقیف) زیرا چه فایده که ما اشتباه کنیم، فرست را از دست دهیم. بعد توضیح بهمیم بهچه دلایل اشتباه کرده ایم»

جهان در یک هفته

خیانت دست اندر دست جرات

خبرگزاریها با استناد برقول رادیوی اسرائیل اعلام کردند که مخالفین سوسیالیست ویز اسرائیل گفته است که با استقرار واحدهای ارتش لبنان در جنوب این کشور مصلحتی ندارد. بخبر آن که در این مورد سوسیالیست لبنان که بهدور حمایت اسرائیل هستند و نظارت بر نظارت امنیتی معتمد در مرز خود کشور را برعهده دارند، مدافعه ای نداشته باشند. بهنظر سوسیالیست است که سرگرد عدم حداد فرمانده شبه نظامیان مسیحی جنوب لبنان بهسازمان مدیچینیکین اعلام کنند که واحدهای زیر فرماندهی وی با استقرار ارتش لبنان در جنوب این کشور برای تامین حاکمیت و نامتیت ارتش آن مصلحت خواهد کرد و حتی کار خیانت را بهجای رساند که جنوب لبنان را مستقل کند. همچنین بیعت نیست که بهرارش آسوشیاتس، عزروایز، وزیر دفاع اسرائیل از سرگرد عدم حداد تقویم کرد و از وی بهعنوان «یک وطنپرست واقعی» نام برد. در اینجا باید دید که چگونه و در فراسد و نشیب، بیچاره گاه باید به شیوه انقلابی عمل کرد و گاه به شیوه فرودمیستی (این عین واژه ای است که لینین به کار می برد یعنی تدریجی و گام به گام)، در این کار دگر نبرد خود را خواهند شکست...

و زوال خود جلوگیری کند و برای تامین مصلحت خود در برابر عوامل خطرناک مستحاضی مشخص میان جدالها صلح با اسرائیل، خلا خیمه صیباری و فرادوم بهاره اندازد و بدین ترتیب شاه از زیر بار مسئولیت این خیانت برهاند! روزنامه پرلادا در این باره نوشته: «رژیم مصر بهراری فشار پلیس و پزشکیهای، مصلحتنازی تصویب عام مردم را ترتیب داده. پرلادا همچنین نوشت: «سادات فرادوم را بهعنوان وسیله ای برای استقرار سیاست ساخت و یاخت با تجاوزکاران، پلاخسی در لبنان به کار می برد».

بهت و همچنین در نتیجه همین سیاست و یاخت با تجاوزکاران است که مصر، به همت وزیر مشاور این کشور در هنگاری اقتصادی، از سه میلیارد و هفتصد و اندی میلیون دلار کمک مالی امریکه، یوسوم آن یعنی یک میلیارد دلار مرد می گیرد، و در مقابل از جنایات اسرائیل در سرزمینهای عربی تحت اشغال چشم می پوشد. در این مورد، تاسی خبرگزاری شوروی، با استناد بر قول منابع سوریه اعلام کرده: «در اجلاس مشترک میان نمایندگان سوریه و فلسطینی قادی بد که اسرائیل با هزاران نفر زندانی سیاسی خود در نواحی اشغالی غرب رود اردن و نوار غزه بهعنوان رفتار می کند، و حتی آنها را شکنجه می کند».

معامله وقت و امنیت

در همه سوی جهان، در هر جا که دیپلماسی و نفوذ امریکه رخه کرده است، رابطه محرم و بره لافتن - دانسان بهادترانیهای مرمگ برای درین بره - مشهود می شود. در این مورد، به مقام عالی رتبه عربستان سعودی در گفت و گو با روزنامه الاور، چاپ لبنان، اعلام کرد که امریکهها عربستان سعودی را بهعناصر مواضع سیاسی و مذهبات این کشور بهسود سایر کشورهای عربی در اعمال مجازات علیه سادات مورد ملامت و در مخرج فشار قرار داده اند.

الانوار همچنین نوشت که ایالات متحده امریکه برای زمامداران سعودی چنین استدلال کرده است که امریکهها به نفع عربستان سعودی و عربستان سعودی به امنیت امریکه نیاز دارند! یک گروه دیگر برای مستحاضه ترانیها و اعمال فشارهای امریکه نوشته روزنامه نیویورک تایمز می بود که از اعمال یک سیاست تجاوزکارانه جدید امریکه در خاورمیانه حکایت می کرد. «تسلیح شدن اسرائیل در تدارک توطئه اعزام صد هزار سرباز امریکه ای به خلیج فارس است. پیدایش یک جبهه جدید دیگر پذیرای نقشین بازاریهای از فیصل «سیاست کنترت و نوباره» و نظایر آن نیستند، چنان که روزنامههای امریکه از فیصل و دولت کوبت این توطئه امریکه را مستحکم کرده و سایر کشورهای و محافل سیاسی و اجتماعی جهان نیز در این مورد بی تفاوت نخواهند ماند».

پاکستان وجه المصلحه توطئه علیه ایران و افغانستان

مطبوعات هند نوشته اند که پاکستان دست اندرکار القیاری اتی است. دو روزنامه «پاکستان آگ ایندیا» و «پاکتویز» نوشته اند که زمامداران پاکستان بهدلیل ابواب داخلی کشور بهسود اتی نیاز دارند. هزینه تولید این بهم در مرحله اول به کمک مالی عدهای کشورهای نامتیز عربی که از روی قضایای به یک دیپ اتی اسلامی، دارلند و در مرحله دوم با مساعدت چین و امریکه (براساس یک پیمان سری) که از اوضاع ایران و افغانستان بیخاکت همین تامین خواهد شد. نتهای پاکستان، که بهعناصر سولواون کسپرشی (از بیوادی تا قلت مصرف پروتین و کازری همین جهت در آمد سرانه) مستحاضه، بلکه ترکیه نیز که از امکانات وسیعی برای توسعه کشاورزی، دامداری و تولیدات صنعتی برخوردار است در زیر فشارها و الزامات ملای از کابوئیگی، بهفریب، پلاخسی امریکه، به پهران شدید اقتصادی و مالی دچار آمده اند. بهدولت روزنامه هودت چاپ کمان غربی، ترکیه برای ترمیم اوضاع اقتصادی خود (که بر اثر بلای قحطت نظامی و سیاسی در دست و ناتو باورانی گفته اند) شده یک میلیارد و نیم دلار نیاز دارد که می خواهد آن را از طریق پیمان شان منطقه ای (ا.وی. سی.) با کمک استعماری بین المللی پول و آلمان فدرال تامین کند!

بازهم داستانی از حضور نظامی امریکه

اتحاد شوروی بهسومتری و تقویت حضور نظامی امریکه در اقیانوس هند اعتراض کرد. خبرگزاری تاس اعلام داشت که امریکه قصد دارد در اقیانوس هند توفق نظامی برای خود مستو یا کند. خبرگزاری شوروی بهدلیل مستحاضه درباره عواطف و تالیق ضرر بالا تقویت و گسترش حضور نظامی آن کشور در اقیانوس هند هشدار داد. این خبرگزاری مدتر کند که امریکه می تواند با ارائه خود را بر کشورهای ساحل اقیانوس هند تحصیل کند.

تلگراف سدابش باسر عرافات به لئونید برتف

بیرتف خبرگزاری فلسطینی - وفا.

باسر عرافات رئیس کمیته اجرائی سازمان آزادی فلسطین و فرمانده کسل نیروهای انقلاب فلسطین برشب پیام شادابی برای رفیق لئونید برتف و سایر شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی و دبیر کل حزب کمونیست شوروی بهنام: اتحاد جماهیر شوروی و پارتیاس شورای عالی اتحاد جماهیر سوسیالیست شوروی فرستاد متن پیام چنین است:

رفیق لئونید برتف - باسر عرافات رئیس کمیته اجرائی سازمان آزادی فلسطین و فرمانده کسل نیروهای انقلاب فلسطین برشب پیام شادابی برای رفیق لئونید برتف و سایر شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی و دبیر کل حزب کمونیست شوروی و پارتیاس شورای عالی اتحاد جماهیر سوسیالیست شوروی فرستاد متن پیام چنین است:

بیرتف خبرگزاری فلسطینی - وفا. باسر عرافات رئیس کمیته اجرائی سازمان آزادی فلسطین و فرمانده کسل نیروهای انقلاب فلسطین برشب پیام شادابی برای رفیق لئونید برتف و سایر شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی و دبیر کل حزب کمونیست شوروی و پارتیاس شورای عالی اتحاد جماهیر سوسیالیست شوروی فرستاد متن پیام چنین است:

پیداست که رژیم اوسدات به جمیع فعالیتها عملی خواهد شد تا از سقوط

بقیه در صفحه ۷

انقلاب اکتبر و ایران

پروزی اکتبر دوران نوینی را در تاریخ بشریت گشود؛ دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم. از برکت پروزی اکتبر و پیدایش نخستین کشور کارگر - دیمتاری جهان بود که ملل مستعمرات امکان یافتند زنجیرهای استارت را بپاره کنند. ایران، زودی و مستقیم از مرکز نور پیر جهان از اکتبر بهره‌مند شد. اگر انقلاب اکتبر پیروز نمی‌شد، کشور ما بین دول بزرگ استعماری و قبل از همه دول امپریالیستی انگلیس و روسیه تزاری تقسیم بود. ما استقلال و تمامیت ارضی خود را - در همان حدی که باقی‌ماند - میبویستیم.

در روزهای پروزی اکتبر مردم ایران باین واقعیت متعرف بودند: انقلاب روسیه که سلطنت خودخواه و جنایت‌کار رومادها و سپس چاودن بزرگترین سرمایه‌داران و ملاکین روسی را برانداخت، در نلوب مردم ایران نور امید محید و مردم با احساس محبت و حساسی نسبت به انقلابیون روسی و پیروزی سبب بلاتین، رهبر بزرگ انقلاب خود می‌گردد.

پرسی تاثیر عظیم و همه‌جانبه انقلاب اکتبر در ایران نمی‌تواند موضوع نوشته کوتاه ما باشد. ملازمندان این نوشته با تفسیلی و از جمله به آنگاه انقلاب اکتبر و ایران از انتشارات حزب توده ایران تهیه کردند. آنچه در چارچوب آموزش از تاریخ لازم می‌ماند یا خوانندگان در میان گذاریم چگونگی تحریف تاریخ از زبان دشمنان خلق است که مایل نیستند مردم ایران حقیقت را درباره تاثیر دیمتاریستی اکتبر دریابند. این تحریف از مساجد انجام شده است:

۱. از جانب عبادان پهلوی و روشنفکران خادم آن
 ۲. از جانب محافل بورژوازی هوادار امپریالیسم امریکا
 ۳. از جانب محافل شد کومونیستی و از جمله مائوئیستی.
- محافل مدافع رژیم پهلوی پیش از پنجاه سال گذشته تا آنچه را که مردم ایران از برکت پروزی اکتبر بدست آورده‌اند و حساب برابر پهلوی بریزند و چنین وانمود سازند که گویا بر اثر کودتای سوم آگست رخشان پستابه «تاریخ ملت» ظهور کرده و ایران را بجات خود. در حالی که همه خدماتی که تاریخ نگاری مدارای بهای رخشان می‌نوشند در واقع نتیجه بیروزی اکتبر بود.
- محافل بورژوازی وابسته و یا متمایل به امپریالیسم امریکا تاریخ سال‌های پس از اکتبر را از زاویه دید وین‌امی‌نگردند. آن‌ها موفقیتی را که مردم ایران به‌دست آورده‌اند از اکتبر در لنو قرارداد استارت‌بار ۱۹۱۹ و حفظ نسبی استقلال ملی کسب کرده‌اند بهای امپریالیسم امریکایی می‌نویسند و مدعی‌اند که امریکا بهترین دوست ایران است و گویا همواره به‌مردم ایران بدون کمرین چشم‌داشت کمک کرده است. نظر این محافل پیروزه در جنبش ملی‌بخش نفت پرای مدنی به‌طرف سلطه در جبهه ملی ایران بدل شد و فرخ‌های سنگین وارد آورد.

از ۱۵۳۰ سال پیش محافل مبنی پیدا شده‌اند که تاریخ ایران در سال‌های پس از اکتبر با حذف آشکار شد کومونیستی تحریف می‌کنند. این محافل را وابستگان به امپریالیسم و متحین مائوئیست آن‌ها تشکیل می‌دهند. این محافل شد کومونیست و از اعضای آن در قله عزیمت می‌کنند که انقلاب اکتبر می‌توانست نتایج بهرمان درختان‌تیزی بسیار آورد ولی گویا دولت شوروی به‌عاطف منابع محدود و تنگ‌نظران‌های انداخته کانی به‌جیش جنگل کمک نکرده و به‌میزان کوچک‌خان «دخانت» نمود و بر اثر آن جنبش انقلابی ایران شکست خورد.

باینهمه واقعیت چیست و چگونه تحریف شده است:

۱۰۰ ساله امپریالیسم اکتبر کثوری نیمه مستمره و بقول لنین «مردم مستمره و با دقتی با بطور کامل مستمره بود. قرارداد ۱۹۰۷ تقسیم ایران میان امپراطوری روس و امپریالیسم انگلیسی در سال ۱۹۱۵ در یک ماده سری نوین تائید و تأیید شد و دولت‌های استعماری فرانسه و انگلیس نفوذ روسیه را در شمال ایران تصدیق کردند.

پهلوه در جریان جنگ ارتشی‌های انگلیسی، روسیه تزاری، عثمانی و احمادانی از آلمان‌ها به‌ایران ریخته و سراسر کشور ما را اشغال کردند. دولت‌های آلمانی و وابسته ایران نیز که یکی پس از دیگری روی کار می‌آمدند نتوانند و نه حتی مایل بودند که کشور را از چنگ ارجح بجات بدهند. حتی انقلاب فوری روسیه نیز تفسیری در این وضع نداد زیرا در این انقلاب سلطنت رومادها سرنگون شد اما حاکمیت بزرگترین سرمایه‌داران روس برجای ماند و لذا دولت موقت به اصلاح انقلاب روسیه همان سیاست تجاوزکارانه تزاری را ادامه داد. وزیر خارجه دولت موقت «نظاره» روس طی تگرافی به‌نام‌پسند خود در تهران گفت:

«میدان می‌دانیم به‌اطلاع دولت شاه برسانیم که روسیه مانند سابق با انگلستان در امور ایران... همکاری خواهد داشت... در سیاست روسیه نسبت به ایران تفسیری حاصل نخواهد شد.»

اگر پروزی اکتبر نبود، «دهانگی» انگلستان و روسیه در مورد ایران باجاری قرارداد‌های ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ منجر می‌شد. اما انقلاب اکتبر پیروز شد و دولت کارگر - دیمتاری روسیه چنان سیاسی پیش گرفت که از ریشه با سیاست دولت‌های تزاری و دولت‌مقتدر سرمایه‌داران روس متعلق داشت. دولت شوروی بلاقلمه در پیامی خطاب به «مزدحمه» گفتان سفارت روسیه و فرقی که به‌امدنی لنین منتشر شد اعلام داشت که قرارداد تقسیم ایران از هم دیده و نابود شده است. واحمدای نظامی روسی بلاقلمه که عملیات پایان یابد از ایران بیرون خواهند رفت. و مردم ایران در تمیین سروشت خود آزاد خواهند بود. دولت شوروی قرارداد‌های سری و از جمله قرارداد ۱۹۱۵ را افشا کرد و بی‌انتخاب اعلام داشت. و آمادگی خود را برای نفو تمام‌اتیازات تزاری روسی در ایران به اطلاع دولت ایران رسانید.

ولی دولت‌های ارتجاعی و وابسته‌ایران همه پیشنهادهای دولت شوروی را بدون جواب می‌گذاشتند و در اتحاد با دولت استعماری انگلیس و ارتش آنتانگر آن در ایران، می‌کوشیدند تا به‌واحدهای شد انقلابی روس در ایران کمک کنند تا شاید حکومت سرمایه‌داران به روسیه بازگردد. پیش از سه سال دولت شوروی باعداست و پیام پشت باعداست و پیام باعداست می‌فرستاد که حاضر است مناسبات خود را به‌ایران براساس نوینی تراز سازد، قروض روسیه تزاری را بپایان ببرد، به‌پسند امتیازات استعمار را نیز کند و غیره و دولت‌های مستعمرانه انگلیس همه این را با اجبار و بلاعوض می‌گذاشتند. واحمدای نظامی انگلیس و واحمدای دین انقلابی اکتبر روسیه که در ایران مانده بودند نمایندگان دیپلماتی شوروی را دستگیر و اعدام می‌کردند. نخستین سفیر دولت شوروی به‌نام کولومبیتس که پیامی دایر بلاتو همه‌امتیازات روسیه خطاب به دولت ایران آورده بود و پیشنهاد استقلال و آزادی به‌ایران می‌داد از طرف شد انقلابیون روسی و با کمک انگلیس و دولت مرکزی انگلیس و اعدام شد.

در ۱۹۱۹ - ۱۹۲۰ و پیشال و اندی پس از پروزی اکتبر - امپریالیسم انگلیسی قرارداد استارت باری به‌ایران تصدیق کرد که به‌موجب آن ایران تحت‌الحمایه انگلیس قرار می‌گرفت. این قرارداد وقتی تدوین و تصدیق شد که دولت جوان شوروی از استعمار تحت فشار نیروهای ضابطی داخلی و خارجی قرارداد استعمارگران انگلیس گمان می‌کرد که موفق به سرکوب انقلاب اکتبر خواهند شد و وزیران‌های خود فروخته تزاری را برکنار حکومت روسیه خواهند نشاندید.

تولد و درباریان مرتجع ایران نیز که از پروزی اکتبر و گشایش جنبش انقلابی در ایران و شرق پشند نگران شده بودند با استعمارگران انگلیس هم‌دستان بودند و به‌جای پذیرش پیشنهادهای لیات‌بخش دولت شوروی با قرارداد ۱۹۱۹ موافقت می‌کردند. این محافل ارتجاعی به‌نامی و نه خلاف باعداست که دولت شوروی در خاک روسیه تحمیک شود. آن‌ها به‌قدر امکانات خود به‌پسند انقلاب روسیه کمک می‌کردند. واحمدای نظامی انگلیس با کمک آن‌ها از خاک ایران می‌گشتند و به قفقاز و آسیای میانه می‌رفتند. حقیقت حاکنه ایران به‌حکومت ارتجاعی و شد انقلابی سرمایه‌داران آذربایجان شوروی در زیر نام مساوات‌چرا قصد برانداختن حاکمیت کارگران و دهقانان را داشتند که سرمایه‌داران.

اما طرخ مردم ایران و طرخمند باعداست مستقیم و نظامی ۱۴ دولت امپریالیستی جهان، زحمت‌کنان روسیه زیر رهبری حزب بلشویک و با بی‌وفایی لنین پیروز شدند. ارتش سرخ سراسر خاک جمهوری‌های شوروی را از نیروهای نظامی دشمن پاک کرد و به‌میزهای ایران رسید. تازه در این زمان بود که جناح غالبی در دولتی‌بخش حقیقت حاکنه ایران موافقت کرد که پیشنهاد ایجاد بخش جمهوری شوروی را بپذیرد و قراردادی با دولت شوروی منعقد کند.

قرارداد ۱۹۱۹ ایران و شوروی حقیقت حاکنه استند امزرت مردم ایران بود در زیر شرایط ارتش سرخ ایران‌ها شد. دولت شوروی از نخستین روز امضا این قرارداد اعلام کرده بود که آنرا به‌سرست نمی‌نماید و خواستار اتمام آن است. مردم ایران نیز در سراسر کشور علیه آن برخاسته بودند ولی چنان‌که می‌دانیم تحت تاثیر تاساب نیرومات که در مناسبات امپریالیستی نشی تعیین‌کننده دارد. تا وقتی که امپریالیسم انگلیسی امپراتور بود که حکومت شوروی را برانداخت و تا وقتی که واحمدای انگلیسی می‌توانستند در قفقاز و آسیای میانه پیشروی کنند. لنو قرارداد ۱۹۱۹ نقض نمود. اما وقتی که ارتش انگلیس در قفقاز شکست خورد و به‌عقب‌نشینی و حکومت شوروی در سراسر خاک روسیه تحمیک شد دیگر حفظ این قرارداد مقدور نبود.

نمایندگان ایران که در سکر با پیشنهادهای دولت شوروی آشنا شده بودند دیگر نمی‌توانستند با هیچ بهانه و دستاوری آذربایزی آن امتناع کنند.

دوره ۱۹۲۱ - ۱۹۲۰ بهمن ۱۳۰۰ در سکر قرارداد معروف ایران و شوروی منعقد شد و قرارداد ۱۹۱۹ به‌گور تاریخ سیرده شد. موافق قرارداد ۱۹۲۱ که در ۲۶ ماه تدوین شد دولت جمهوری شوروی تمام معاهدات و قرارداد‌های دولت سابق روسیه را به‌ایران لنو نمود. دولت روسیه تمام معاهدات و قرارداد‌های دولت سابق روسیه را با دولت ناکت راجع به‌ایران لنو نمود، دولت روسیه اعلام داشت که در امور داخلی ایران دخالت نخواهد کرد. دولت روسیه قروض ایران به‌روسیه را باطل شمرده و بانک استقراضی روس را با تمام نفوذ و اشیا و اموال منقول و غیرمنقول به‌ایران تفویض کرد. تمام خطوط شوسه و راه‌آهن و وسایل حمل و نقل و خطوط تلگرافی... را که در اختیار روسیه تزاری بود به‌ایران تحویل داد... تمام امتیازات دولت سابق روسیه را به‌اختیار اعلام کرد... حق قضاوت کسولها (کاپیتولاسیون) را به‌کلی باطل دانست...

این قرارداد ۲۶ ماده‌ای، بطور عمده قرارداد پشندانه است یعنی قراردادی است که اکثریت قریب با‌اتفاق موافق آن بودند ایران و برای واکنش‌های امتیازات تزاری به‌ایران است. نهادن آن یکطرفه از جانب شوروی در قبل از امضا جز در یک مورد که دولت انگلیسی می‌خواست که اگر نتواند جلو قشون دشمن روسیه را که به‌خواهد ازایران به‌روسیه حمله‌کنند، بگذرد؛ حمایت از ورود قشون روس نخواهد کرد. استعمار انگلیس که نتوانست جلو اشیا این قرارداد‌های پشندانه سیاست مسلح جمهوری شوروی را بگیرد، از راه دیگری وارد شد و همزمان با انعقاد قرارداد ۱۹۲۱، کودتای سوم اسفند را به‌راه انداخت و نفوذ خود را در ایران به‌شکل روبروشدیمتی تحمیک کرد.

حکومت رشخانی که بر اثر این کودتای روی کار آمد، به‌ندما مدعی شد که گویا اوست که کاپیتولاسیون را باطل کرده، اوست که امتیازات خارجی را لنو کرده است. در حالی که همه این کارها تنها به‌برکت انقلاب اکتبر انجام گرفت و بی‌تکر آن دولت شوروی بود و به‌حکومت رشخانی.

تحریف تاریخ، چنان که گنیم از جانب محافل هوادار امپریالیسم امریکا نیز انجام‌گرفته که به‌خصوص در سال‌های گشیش جنبش ملی شدن نفت نقش بسیار منفی و زیان‌بخشی بازی کرد.

موضوع این‌است که امپریالیسم امریکا از آغاز قرن بیستم رفته رفته وارد عرصه سیاست جهانی شد و علاوه بر سلطه بر قاره امریکا - حق سلطه خود می‌دانست - داعیه سلطه بر مناطق دیگر جهان را نیز مطرح کرد. از جمله ایران از همان آغاز در مرکز توجه سرمایه‌داران امپریالیستی قرار گرفت. آنان با اقوام میلیون‌مندی و تاسین مدارس و غیره به‌ایران راه یافتند و توانستند در ۱۹۱۱ مایه ایران را به‌دست گیرند. شوستر کارشناسی گمبایه امپریالیستی در این زمان به‌برایت امور مالی ایران رسید و با آنها پیش رفت که در جنب مایه نیروی اندراندم ایجاد کرد ولی بر اثر امتیازات و دخالت خشن روسیه تزاری که نمی‌خواست نفوذ رقیب را در ایران تحمل کند، میسون شوستر از ایران رانده شد.

از آن‌زمان محافل بورژوازی ایران که در نبرد علیه سلطه روسیه تزاری و استعمار انگلیس دنبال نیروی سوسی می‌گشتند به‌امپریالیسم امریکا دل بستند. امپریالیستی‌های امریکایی نیز این فرست را غنیمت شمرده.

از زمان جنگ جهانی اول جنگ نفت نیز بالاگرفت و امپریالیسم - مای امریکایی که در این عرصه قدرت فراوانی داشتند پیش از پیش به‌ایران توجه نمودند و زمانی که بر اثر سرنگونی تزاری و سپس پروزی اکتبر، قدرت روسیه در ایران متزلزل شد به‌فکر آن افتادند که جای پای خود را در کشور ما محکم کنند و از این موضع بود که با قرارداد ۱۹۱۹ انگلیس و ایران مخالفت کردند و اعلام‌های علیه آن دادند. در آن‌زمان این مخالفت هنوز قدرت ایرانی نداشت و امپریالیسم انگلیس در خاورمیانه قویتر از آن بود که امریکا بتواند در ایران مداخله کند. با امضای پیش از محافل بورژوازی ایران نقش امریکا را در لنو قرارداد ۱۹۱۹ بسیار بزرگ کرده و چنین وانمود کردند که گویا قدرت امریکا بود که انگلیس را وادار به‌عقب‌نشینی نمود.

در سال‌های بلاقلمه پس از اکتبر این نوع تبلیغ به‌سود امپریالیسم امریکا وسیله‌های بودی برای مقابله با نفوذ انتی‌دیمتاریستی انقلاب اکتبر و در عین حال تقویت مواضع امپریالیسم امریکا که هنوز در ایران شناخته نشده بود. با کمک تبلیغات ایران قیمت کوشش می‌شد چنین وانمود شود که گویا ایران‌دوست سازمان ملل متحد و می‌فرخی دوان‌سوی درهاها پیدا کرده است. حقیقت نمایندگی امریکا در کنفرانس صلح پاریس از امضای عهدی و غریب ایران علیه حکومت جوان شوروی حمایت می‌کرد و امیدوار بود که امپراطور تاسات با انگلستان کنار آمده چسای روسیه را در ایران بگیرد. در ضیافت برطوطی‌های هیئت نمایندگی ایران با‌اتفاق هیئت نمایندگی امریکا در پاریس داده بود رئیس هیئت ایرانی می‌گفت:

دوخت امانیت پروزی و فطرت پاک که در ملت امریکا متوجه می‌گم به‌اندازه‌ای دقیق و حساس است که بیان حوادث جزئی‌ترین موجب تاز و تامل شدیدیان خواهد گردید.

من این جام رشرف از مودت را به‌سلامتی ستر و لیسند که از بزرگترین منافع سیاسیون عالم بوده، همه امید

عدالت گشتری را از ایفان دارند می‌نوش... وزیر خارجه امریکا پاسخ می‌داد: «دولت جمهوری امریکا... یگانه دوست صمیمی ایران است و همواره در این راه ثابت‌قدم خواهد بود. اکنون باید ایران و امریکا متفقاً با محبت زوالات‌پذیر دست به‌دست یکدیگر داده و بر بنیان قدیم اساس جدیدی که پایدار اندی استوار نمایند».

برای کسانی که از امضای جهان آنروز و هدف‌های سیاست امریکا باخبر بودند همه این کلمات بوری نفت می‌داد. اما محافل بورژوازی ایران نمی‌خواستند آنرا بشنوند. قشون براین، این محافل از ترس جنبش‌های ملی ایران خلافت‌مند بودند که‌های امپریالیسم امریکا را به‌ایران بکشانند. از این‌جا بود که دولت قوام‌سلطه در ۱۹۲۱ با قرارداد واکنش‌های امتیازات نفت شمال را به‌برکت امریکایی سینکلسر امضا کرد و مجلس آنرا تصویب نمود. به‌علاوه امور مالی ایران یکبار دیگر به‌دست هیئت مستشاری ایران رسید. هیئت مستشاری میسون سرده شد. کسانی که امروز با این حوادث آشنا می‌شوند به‌اساسی با‌عصیت سیاست امپریالیسم امریکا می‌بینند. اما آن‌روز چنین نبود. حتی ۲۰-۳۰ سال پس از آن نیز بسیاری از محافل بورژوازی و روشنفکری ایران نمی‌توانستند این حقیقت را بپذیرند که امریکا در ایران هدف‌های امپریالیستی دنبال می‌کند.

در سال ۱۹۲۰ - وقتی حکومت رشخانی سرنگون شد - محافل هوادار امریکا براساس فطرتی که دیپلماتی امریکا علیه قرارداد ۱۹۱۹ کرد و تبلیغات وسیعی به‌راه انداختند و چنان وانمود کردند که گویا امریکا ناجی ملت ایران است. حسین مکی - که به‌ندما دبیر کل جبهه ملی شد - در کتاب‌هایی که منتشر می‌کرد ادعا نمود که: «دلت ایران و ملت ایران در فقر خرافات خود جز محبت به‌امریکا چیزی نمی‌دانند».

دوام بلند شوهر امریکایی که در دل ایرانیان ثبت است. وزارت خارجه امریکا به‌وسیله وزیر مختار خود راجع به‌مسائلت با قرارداد ۱۹۱۹ که وثوق‌الدوله آنرا منعقد کرده بود در تهران اعلام‌های صادر کرد و به‌ان وسیله به‌مصلت ایران فیهامد که دولت امریکا با هر نوع استعمار و استعمار مخالفه است!

این نوع اظهارنظرها خاص مکی نیست. بعضی در بعضی که حوادث سال‌های جنگ دوم جهانی و سپس گشیش جنبش ملی‌بخش نفت را خواهیم گفت شواهد بیشتری به‌همین آردن حاکی از این‌که این تفسیر نظر نسبت به‌امپریالیسم امریکا و نقش آن در سال‌های پس از انقلاب اکتبر، نظر سلطه در بعضی بزرگی از بورژوازی ملی ایران و روشنفکران وابسته به‌ایران بود.

در شماره بعد این بحث را ادامه خواهیم داد و در باره جنبش‌های انقلابی و دموکراتیک ایران که بر اثر پروزی اکتبر دست گرفت و نقش مؤثری در حفظ استقلال ملی ایران ایفا کرد گفتگو خواهیم کرد.

کتابخانه دارد

۱. حسین مکی، تاریخ بیست‌ساله ایران، جلد سوم، صفحات ۹۵-۸۵.

در آستانه کنفرانس...

باین ترتیب که کشورهای غرب دموکوع فروش تکنولوژی خود با امتداد قرارداد های یکطرفه، عصاره کشورهای پشندانه با متاورین مختلف (سود سرمایه خود یا بهره وام اعطایی یا حق‌الامتیاز و غیره) می‌کنند.

بر طبق این تاسین محافظه‌کارانه، مناسی که از جانب به‌وسيله امضال روش‌های نو استعماری علیه غریب‌مفود سالیانه بانسج بر ۱۰۰ میلیون دلار می‌گردد. این حداقل باج سالیانه‌ای است که کشورهای غرب از طریق شرکت‌های چند ملیتی از کشورهای پشندانه می‌گیرند. قطعه‌نامه کنفرانس آروضا مستقیماً متوقف نمودن این غارت‌گری تائید نموده‌است.

کنفرانس پشندانه کشورهای عصباننده مصر تائید نموده است که در رابعاره با استعمار استعمار ژادپرستی و آپارتاید با تمام قوا مجاهدت نمایند. کنفرانس پشندیایی خود را از مبارزات آزادی‌بخش خلق‌های قهرمان نامیوسجا، زیبا‌سوسه، آفریقای جنوبی و فلسطین ابراز نموده است. کنفرانس در قطعه‌نامه خود کشورهایی را که تحت عنوان «دیک‌های نظامی» یا «دیک‌های مالی» و غیره می‌شناسد می‌کنند کشورهای پشندانه را تحت سلطه خود درآورده و در سیاست‌های آن‌ها دخالت نمایند محکوم می‌نماید.

جولویس بیرد ره‌ریسی جمهوری تاتاریا نیز اعلام نموده که برای ایجاد نظام نسوین اقتصادی در جهان که بر پایه اشتراک ثروت‌های کشورهای عصباننده به‌وسيله کشورهای بزرگ سرمایه‌داری استوار باشد، راهی طولانی و مشکل در پیش است. در این راه اتحاد و تعاون کشورهای عصباننده در رسیدن به‌پسند، نقش تعیین‌کننده و اساسی را دارد. به‌همین جهت امپریالیسم جهانی امید خود را با‌هجاها تفرقه در کشورهای گروه ۷۷ بسته است.

نقل از مجله عصر جدید

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

تفسیر قانون کار و بیمه‌های اجتماعی پسوند کارگران و زحمت‌کشان پیروزه از راه تأمین حق کار، دستمزد مساوی برای کار مساوی برای زنان، منع کار کودکان، کاهش ساعات کار، افزایش مرخصی سالانه، افزایش مرخصی برای زنان باردار و تأمین حق اعتصاب؛ ایجاد سندیکاهای کارگری و مرکز واحد سندیکایی در تمام کشور - تأمین آزادی فعالیت سندیکایی؛

حفظ و تحکیم همبستگی با کارگران و زحمت‌کشان سراسر جهان در مبارزه به‌طور صلح، استقلال ملی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی. چنین است مهم‌ترین خواسته‌های صنفی و سیاسی کارگران و زحمت‌کشان ایران در شرایط مشخص کنونی.

کارگران و زحمت‌کشان ایران! تجربه انقلاب پیروزمند ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران نشان داد که مبارزه متحد نیروهای خلقی و پیش از همه مبارزه متحد کارگران و زحمت‌کشان، می‌تواند حتی زیر شکنجه و مستحکم‌ترین دژ امپریالیسم و ارتجاع را درهم شکنند. دادگامی که امپریالیسم و رژیم وابسته به آن را در زمین ما با شکست روبرو ساخت، اینک، یعنی زمانی که می‌باید دستاوردهای انقلاب را تحکیم کرد و جلوه را از نو ساخت، پیش از هر زمان دیگری لازم است. در جریان انقلاب کارگران کنار می‌دادند، کارگر متحد همیشه، کارگر متفرق هیچ‌چیزا این شعار که نشانه آگاهی طبقه کارگر قهرمان ایران است، می‌باید پرچم هر نوع فعالیت و مبارزه صنفی و سیاسی قرار گیرد. اتحاد کارگران و زحمت‌کشان در عین حال پایه مطمئنی است برای اتحاد همه نیروها در جبهه متحد خلق و ولایتی است برای سیر انقلاب ما پیش، بسوی ایرانی مستقل، آزاد و آباد.

در نشئین جشن آزاد اول ماه مه، پیمان می‌بندیم که این اتحاد مقدس را مانند مردک چشم حفظ کنیم.

فرخنده‌یاد جشن اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی کارگران!

زندگیاد طبقه کارگر پشاهنگ و قهرمان ایران!

مستحکم باد اتحاد کارگران و زحمت‌کشان ایران!

زندگیاد جبهه متحد خلق!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

مسئله مرکزی روز: شناخت ضدانقلاب

ولی مردم ایران نیز با مقاومت حسام‌آمین خویش سرانجام تخت و تخت رژیم استبدادی محمدشاه را سرنگون کردند و بازی تازه را هم با یافت کامل روبرو ساختند.

در مقابل دیدگان حیرت زده و سرشار از تحسین مردم سراسر جهان در کشور ما انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی پیروز شد ولی ضد انقلاب نه از تلاش و نه از امیدها و نه از دشمنیای خویش ایمن دست برداشته است.

شناختن این دو بهایزاد دیگر کورهای امپریالیستی و عمال رنگارنگ آن‌ها که با انواع تقابلهای در انواع محافل جای دارند) امیدوار است که باصلاح یکی از روزنامه‌نگاران امپریالیستی، انقلاب ایران بتواند جنبه‌هایی را که رها کرده است دوباره در پیش کشد، یا به‌پایان ببرد، امروز قادر است تقابلهای گوناگون اسلامی، مارکسیستی، لیبرالی و غیره برپا دهد و با شمارهای درخشان و برنامه‌های پر زرق و برق عرضه کند و پیروزه از بی‌تجربگی انقلابیون صبیق در امور سیاسی سو استفاده نماید و برای لیب مقدس با پهناهای ظاهراً «مصلحتی» و اظهارات ظاهر انقلاب می‌باید آید. به‌کنته علی‌این‌حال، کلمه حق براد به‌باید، با کلمه حق که از لیب باطل می‌شود عمل می‌کند.

فرب دادن افراد از موضع دفاع آشکار از رژیم استبدادی گذشته دشوار بود. و سو استفاده از احساسات ساده‌دانه ملای در زمینه دفاع از حقوق اجتماعی زنان، دفاع از حقوق ملی، دفاع از آزادی‌های دموکراتیک، دفاع از امنیت قضایی، دفاع از حقوق کارگران و مدافعان و آزادی‌های دموکراتیک، کثرتی است زیرا اینها دیگر استفاده رسوا شده نیست که می‌خواهند دوباره کنند. اینجا ما با مطالبی روبرو هستیم که از جهت ظاهر و دعواوی مطروحه منحرف واقعیت‌هاست و مردم درباره آن‌ها مطالبات به‌جای فرواری ندارند، می‌توان با طرح این مطالب به‌اشفتگی و نامرستی دادن زد. و عمد را جای غیرست. و فرعی را جای اصلی گذاشت.

آخرین نمونه آن را نگارشی این مطور، جریان بود که آیت‌الله طالقانی پس از عزیمت بقم و دیدار از آیت‌الله خمینی درباره آن در «صدآ و سیاهی‌ایران» دواور توضیحات مشروح و جالبی داده است.

شده انتقادات ما ستم می‌تواند دست‌به‌جانت‌های توجیه‌دیگر بزند. اوجی آنجا می‌رود که برای آلودن انقلاب و برخی ویرانی‌های دیگر و صادق آن، آن‌ها را «دعای خود» و انقلاب را یک «بازی تازه امپریالیستی» جلوه دهد.

هرکس که عاقل باشد و بداند که امپریالیسم و همه کسانی که در ایران از تحول انقلابی می‌شود و ضدانقلابی و چالور حیرت آن را دارند، که به‌پشت گدازه خویش را به‌دست آورده و چگونه آرزومند آن هستند که از دشواری وظایف نوسازی جامعه بهره‌گیری کنند و انقلاب را بی‌اعتبار سازند، به‌آسانی می‌توانند نرک کنند که این نیروها در سر، در نهان به‌جای تلافی عیبی مشغول هستند و در پس پرده براساس سیاست «دمل وارونه زدن» به بازی رسمی انجام می‌گیرد و چه پیروانی می‌شود و چه برضای می‌کنند. می‌شود و چه هرمن‌های با حرکت درمی‌آید.

آری، دشواری‌های عظیم مرحله نوسازی انقلابی، سرخورده‌ها، اشتباهات، توهمات و انتظارات، تشنج‌زده‌ها، شوهرها و احساسات کامران‌گشته و غیره و غیره همه و همه به‌ضد انقلابی عمل می‌کنند که در سابق آن امکانات را نداشته‌اند. آن «وحشت‌کننده» که در مقابل غول استبداد اکثریت فرب به‌تأمین مردم ایران را همیشه و یگانه می‌باید، در این دوره فرواری دشواری‌ها و سردرگمی‌ها و ابهام‌ها، ناچار متزلزل می‌شود و ضدانقلابی در دست مردم در دست مردم در همین جهت می‌گردد و درست از همین وضع عیبی می‌خواهد برای بیات پدید دهنی خود می‌جوید و شکست قاضی و کاپیتر خود را دچیران کند.

ویرانی بزرگ انقلابی جهان مانند مارکس، انگلس و لنین پیوسته متذکر می‌شدند که اگر در انقلاب شرف قدرت بسیار دشوار است، حفظ و سیادت ایمن قدرت به‌رابطه دشواری است.

بهمین سبب در این دوران انقلابیون صادق خواه روحانی، خواه مارکسیست، خواه ملی، خواه مکررات، یعنی همه آن‌هایی که در تحقق ایجاد پیروزی مرحله

توطئه ساواک - سپاه

جنبش انقلابی ایران را که وظایف بسیار سنگینی به‌همه دارد بمسائل فرعی مشغول دارند.

حزب توده ایران به همه نیروهای انقلابی هشدار می‌دهد در این لحظه جاس این نیروها را به احساس مسئولیت باز هم بیشتر فراموشند. در این نوع و برای مقابله با دسیسه‌های امپریالیسم و ارتجاع تبادل‌بند متروک، نظام و درک متقابل، چاره‌اندیشی مداوم، سازماندهی، تشکیل جبهه متحد خلق ضروری است. ما باید بتوانیم طردیم دشمن محیط آرام و سازنده را در کشور بپذیرد. آوری، ما باید بتوانیم هرچیز مشترک - که عمده است - تکیه کنیم و در برابر دسیسه امپریالیسم و ارتجاع سف واحدی داشته باشیم.

تروور سرلشکر قزلبی که بدون تردید یک توطئه ضد انقلابی است، اجابیه‌های که مداخله امپریالیسم و ارتجاع با دست باز هم بیشتری کرده است، این‌تردید نشان می‌دهد که چرا محافل امپریالیستی یکباره طرفدار حقوق بشر دشمنان و از

حزب توده ایران قانونی

سربوب بقایای محال ساواک و رژیم پانگ برکنارند و چرا می‌خواهند که جایت کاران حرفه‌ای آزاد و با گردن حق درپایان‌ها راه بروند و حتی امرهای قدرت را به دست بگیرند.

تروور سرلشکر قزلبی نشان می‌دهد که کار پاسداران انقلاب و دادگاه انقلاب تا چه حدی سوخته و واقعا انقلابی است. در گشته نزدیک عمال ساواک برای پندام کردن پاسداران و گیتسها در داخل آن‌ها رسوخ کرده؛ با حادتمساری کوشیدند که مردم را از آنان روی‌گردان کرده و زمینه را برای انحلال این مراجع انقلابی فراهم آورند. تروور قزلبی نشان می‌دهد که پاییز به پاسداران دادگاههای انقلابی کتک کرد و باید شرایطی فراهم آورد که آن‌ها بتوانند بقایای ساواک و سیا را ریشه‌کن کنند.

حزب توده ایران نفرت و در عین حال نگرانی عمیق خود را از ولقه تروور سرلشکر قزلبی اعلام می‌دارد و آماده است که مداخله امپریالیستی در مرطسی که باشد تبادل‌بند تروور کرده و برای پدیدایش سیاست هماهنگ و عتی مشترک ضدامپریالیستی بکاربرد.

انجمن‌ها و شوراهای ایالتی

نیاق و دشمنی در میان خلقها برانگیزد و هرغلافی برای شرکت مردم در اداره امور محلی، تعیین سرنوشته خود را تجزیه‌طلبی تأیید در حالی که تجزیه‌طلب واقعی خود این رژیم و پادشاهی بودند. آن‌ها بودند و آن‌ها هستند که همواره از تجزیه کشور ما سخن می‌گویند و شرایط را برای چنین تجزیه‌ای فراهم می‌آورند. در حوادث بسیار ناگوار و نامشایر گنبد و سنجد دست عوامل دشمن انقلاب آشکارا به‌پشت می‌خورند. کارشناسان تهریک و توطئه از ساواک و دسیسه کوشیدند که در این حوادث پای برخی از نیروهای دموکراتیک و انقلابی را نیز به‌پایان کنند ولی برای کسانی که به‌عنوان جوانان نظر و توجه دارند تردیدی نیست که گرداننده اصلی قاجیه گنبد و سنجد عوامل ضد انقلابند که خسوس‌های محلی ملی و اختلافات حل نشده و بهادر رسیده از رژیم پهلوی را دستاویز توطئه قرار دادند.

ما اینک سرزنده که با دستور فرمان تشکیل شوراهای شهر و ایالت گام بسیار بزرگی در راه دموکراتیزه کردن جیات سیاسی کشور برداشته می‌شود. ما امیدواریم که این فرمان هرچه زودتر به‌موقع اجرا گذاشته شود.

الته تشکیل شورا در سراسر کشور و سیرین اداره امور کشور بدست مردم، امری نیست که ارتجاع ایران به‌آسانی به‌آن تن دردهد. عوامل دشمن خواهند کوشید به‌اختلافات دامن زدن و محیط سیاسی را مستنفع نموده انتظارات انجمن‌ها را حواری سازند. ستافخانه از رژیم سابق نیز، چنان که گفتیم، ارتش شومی به‌ما رسیده و دامنه اختلافات اینجا و آنجا بسیار گسترده و ریشه‌دار است.

در چنین شرایطی اجزای سازمان‌های سیاسی دموکراتیک و ضدامپریالیستی مسئولیت بسیار سنگینی برعهده دارند آن‌ها باید بتوانند بر اثر شوم رژیم سابق پیروز شوند، تشکیل انجمن‌ها، شوراهای را به‌وسیله‌های برای تحکیم وحدت نیروهای انقلابی بدل کنند و جلو هرگونه توطئه و تحریک را بگیرند.

حزب توده ایران به‌منابه حزب مشغول و مدافع صبیق دموکراسی یک‌بار دیگر به همه نیروهای ملی و دموکراتیک مراجعه کرده و پیشنهاد خود را در باره تشکیل جبهه خلق تکرار می‌کند. ما مستقیم که سازمان‌های ضدامپریالیستی و دموکراتیک باید دست‌به‌دست ما به‌منه تا از طریق تشکیل شوراها یا پهای انقلاب را تحکیم‌نمایند و هرگونه توطئه‌گری و فرقه‌اندکی ضدانقلاب قانی‌اند.

حزب توده ایران به‌لویه خود برای مذاکره درباره هر پیشنهاد متقابل آماده است.

اما اگر مقصود از دموکراسی بی‌قانونی است، یعنی تکمیل شد قانون خرداد ۱۳۱۵ است، باید گفت که این قانون تکمیل شده شامل گامی است که مخالف سلطنت و خواستار جمهوری بودند، لذا حزب توده ایران در این زمینه استثنائی نیست و نمی‌تواند باشد، به‌منه دیگر اگر قرار باشد این قانون اجرا شود آن وقت قبل از همه فعالیت قانونی دولت موقت انقلابی زیرعلافت سؤال قرار می‌گیرد آنکه از این، اینک که به‌معت انقلابی خلق‌های ایران، سلطنت به‌زادگان تاریخ ریخته شد، مملود نیست چگونه می‌توان بر طبق این قانون، فعالیت حزب توده ایران ضد سلطنت و جمهوریخواه را غیرقانونی دانست.

عینی و قانونی حزب توده ایران ملی می‌سال گشته است. با استناد به‌میج قانون وزیری بوده، کلیه فعالیت غیر عینی و غیرقانونی حزب‌توده‌ایران پس از شیب‌کودهای ۱۵ بهمن ۱۳۳۷ به‌طور به‌حزب توده ایران تقصیل شد است.

این‌ها البته استبدالات قضایی و حقوقی است. ولی علاوه بر این، از نظر منطقی و اخلاقی هم می‌توان پرسید که آیا واقعا شایسته یک دولت انقلابی است که به‌وسیله‌ترین قوانین بشددمکراتیک یک رژیم فاشی، خیانت‌کار، غارتگر و مصاد است، که آن هم برای اینکه اعتماد حزبی را غیرقانونی بداند که در مورد وحشیانه‌ترین حملات چنین رژیمی بوده است.

پس از مسیح و فلائنته نیست که به‌بسیاری که برای سرنگونی چنین رژیمی هزارها قربانی داده امکان دارد که از نیروی خلق خود، همراه با سایر نیروهای ملی، دموکراتیک و انقلابی، برای تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه استفاده کند.

در اعلامیه دیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران گفته می‌شود که داکر قوانین رژیم سابق باصلاح باقی وقتی لغو نشده به‌بقت خود باقی می‌بماند. می‌باید طومار انقلاب ایران را به‌طور کامل بریزد. این قوانین برای همیشه لغو شده است و دولت موقت اسلامی نیز موجودیت خود را بدون انقلاب است و در محترم‌ترین قوانین رژیم سابق و ضدملی شاه، به‌عظر ما حین است که دولت‌موقوت انقلابی، بین خود را به انقلاب، در مورد حزب توده ایران نیز ادا کند.

هردم، در بیان مرکزی حزب توده ایران، فصل‌هفته‌ای رگبار، روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.

نشانی موقت: تهران، خیابان ۱۶ آذر روبروی دانشگاه ملی، شماره ۶۸

شلتاق دوره‌گردهای مطبوعاتی امپریالیسم در ایران

ولادیمیر لاکاریایف

برسگویی ماهومه

دوچرخه دو نفره زنگنه شد شوروی با دو راکب بانگس روی اواسی و نوواک که مارک آگهی‌های تبلیغاتی «واشنگتن پست» روی آن‌ها خورده است همچنان در کوربراهای شرق ترک و خاک می‌کند. همین گره و خاک روی صفحات روزنامه «واشنگتن پست» می‌نفتند و از روی در این دوچرخه می‌توان خط سیر های واقعی این دوچرخه دوفنره را دنبال کرد. مثلا یکی از نوشته‌های این دو نفر به نام «تحرکات شوروی در ایران» اخیراً از تهران چاپ شده است.

آن‌ها ابتدا به آقایی خنجر حاجسید چواری وزیر کشور ایران نیت دادند که گویا گفته است که «اتحاد شوروی وامده می‌شود که یک دولت دوست می‌باشد. ولی ما خوب می‌دانیم که آن‌ها (ظاهراً روس‌ها - اواسی و نوواک) در سدد کل‌آلود کردن آن با کمک خنجر خود هستند، و بعد گویا افزود کمترین به نظر او می‌چیند که اختلافات در بین اقلیت‌های ترک و بلوچ و کرد و عرب ایرانی را به نفع خود متصور شود استفاده قرار دهد.

این نوشته‌های این دو نفر که در انتظار «دولتان» و باور گنیم باید در انتظار تأیید رسمی این گفته‌ها باشیم. در حالی که همین اظهار نظرها با نظرات سایر اعضای کابینه ایران درباره روابط شوروی و ایران مطابقت تام دارد. مثلا آقای ع. امیرانتظام معاون نخست‌وزیر از جمله گفته است که «دولت‌های ما نسبت به همبیکر احسانات، احترامات و مینتی بر حسن منواری دارند و اکنون که در ایران رژیم جدید انقلابی برقرار شده است روابط دو جانبه باید برقرار بماند و دورهای خود که در زمان رژیم شاه وجود داشت.

همین دو نفر در جستجوی خیرهای جنجالی، با آقای دکتر یردی مسابون نخست‌وزیر ایران ملاقات کردند. البته هیچ وجه اخلاقی به‌دستشان نرسید. با این حال به یک خاص خودشان نوشتند: «با ابراهیم خردی بهما گفت که نمی‌تواند به‌طور قاطع مدعی شود که اتحاد شوروی به بی‌ظن‌ها در لوانی گردن‌نشین غریب دامن می‌زند.»

آنگاه «استاد» به «گفته‌های» مقامات رسمی بهمانی مرید و «دولتان» اظهار نظرهای شخصی خود را مستند به گفته‌های دیگر قابل رد» مباحی می‌نماید که به نظر آن‌ها کاملا «موتی» هستند. و حال آنکه ای از این ضایع «موتی»:

چواری که در آمریکا تحصیل کرده گفته است: «ما از این پیرمردانی که وارد دولت می‌شوند کلافه شده‌ایم. این اظهار نظر خواست تحولات بزرگ و سریع را متعجب می‌سازد...»

توجه داشته باشید که در این مورد سبک آمریکایی جمع‌آوری شایعات، حقیقتاً به‌طور کامل به چشم می‌خورد. اواسی و نوواک با ادامه دادن سفر دورهای خود، به آن طرفی دیوار سفارت کامل را در تهران اشغال کرده است. نظر آنکه‌اند، این دو آمریکایی زیر زورنگ به این نتیجه رسیدند که در محوطه سفارت شوروی «ساختن یک بنای عظیم برای جادان تمدن بیشتری از «دولت‌های» شوروی و حال تجارتی و سایر اشخاص نمایه به‌طور تشکیف و تجزیه باز هم بیشتر تیرهای انقلابی در شرق انجام است». در این مورد هم نمی‌توان مسکو را از نظر ندانستن دور



یادی از شهدا

در سیدم دوم اردیبهشت سال ۳۷ رژیم سفاک کودتا برای تحکیم پایه‌های لرزان حکومت ضد خلقی خود، به جنایت تازه‌ای دست زد و دوتین دیگر از رزمندگان راستین راه آزادی و سعادت توده‌های رنج‌دیده جامعه ما، دو تن از رزمندگان حزب پراختبار رنجبران، حزب توده ایران را به جبهه تیرباران سپرد.

رفیق هوشنگ پورروخوانی، و رفیق آرسن آوانیان

رژیم کودتا، رژیم ضد خلقی که برای به‌گور سبازی قطعی آن، میلیون‌ها نفر جان برکف، ایران را در نورددیند و آن را با مشت میلیونی خود درهم کوبیدند، در آن سال‌های سیاه زجر و شکنجه ابقای حکومت کثیف و خون‌آلود خود را در نابودسازی بزرگ‌ترین دشمن خود، حزب راستین طبقه کارگر ایران، حزب توده ایران و جانبازان بی‌شمار صفوف آن می‌دالست. و در چهره شریف و نجیب آرسن‌ها و پورروخوانی‌ها، خشم طوفانی توده‌های میلیونی را که چون آتشفشان بی‌کمر متعفن و محسوس او را در شله‌های ضعیف خود می‌سوزانند، مشاهده می‌کرد. و به راستی نیز کینه و نفرت او از این مبارزان توده‌ای، که زوال و نابودی حتمی کاخ خون‌آلود ویرا یادآوری می‌کردند، بی‌دلیل نبود. او در چهره ایشان، در سیمای خلقی پر شور و خروش ایشان، نفرت توده‌ها را متعکس می‌دید. در شکنجه آنان، از توده‌ها که به‌با خسته بودند انتقام می‌گرفت و قند داشت با نابود کردن آنان عدالت و آزادی‌خواهی را نابود کند. ولی رزمندگان توده‌ای نابودی‌ناپذیرند، بهمان گونه که توده‌های رنجبران نابودی‌ناپذیرند؛ و بهمان گونه که کلام مترک آزادی و شعله‌جاودان آزادی‌خواهی محو ناشدنی است.

آرسن‌ها و پورروخوانی‌ها در قلب و مغز توده‌ها جاودان ماندند. هزاران توده‌ای را از سنت‌های گران‌بها و جساودان رزمندگی و جانبازی الهام بخشیدند و با مشت آهنین توده‌ها کاخ استبداد را ویران ساختند.

حزب توده‌ها با خون این رزمندگان به‌شتاب رسیده، با توده‌ها بی‌ش از پیش در آمیخت و در طول ۳۷ سال مبارزه خویش همواره بزرگ‌ترین دشمن امپریالیسم و وابستگان داخلی آن باقی ماند.

— درود بر روان پاک و خاطره تابناک هم‌مبارزان راه آزادی —
— درود بر این فرزندان وفادار حزب طبقه کارگر ایران، حزب توده ایران.

مژده گل

باغبان مژده گل می‌شوم از چنبت
فاصلتی کو که سلامی برساند ز منت

وقت آنست که با نغمه مرغان سحر
بر و بالی بگشایی به‌هوای و طننت

خون دل خورند و دل‌تنگ نشنن تا چند؟
دیگر ای غنچه برون آر سر از پیرهننت

بوی یرانه یوسف زصبا می‌شوم
مژده ایندل که گلستان شده بیت‌الحرلت

آبت از چمنه دل دادم ای باغ امید
تا بهصد عشوه بختند گل و یاسمنت

دوستان برسر پیشان درستند بیا
که لگون باد سر دشمن یمان شکنت

خود به‌زخم تبر خلق درآمد از پای
آن‌که می‌خواست گریخ خالک کند ریشه‌گنت

بشو از سبزه که در گوش گل تازه چه گفت:
با بهار آمنتی ای به بهار آمدنت

اندیشی (۱) محکوم کرده چون مسکو در سال آینده را هم می‌بیند، در حالی که ده سال پیش بعد از افتاد یک سلسله از موافقت‌نامه‌های شوروی و ایران در این محوطه ساختن بناهای شروع شد که اکنون بر آنها دستگاه زارنی اسوسر اقتصادی سفارت جای دارد.

این‌هاست نتایج پیوسته به‌کار بردن مهابرا و موازین آمریکایی در ستوره سیاست شوروی.

روابط اتحاد شوروی و ایران بر اساس اصول احترام و علم مداخله در امور داخلی و سفارتی متقابل پی‌ریزی شده است که کاملاً با سیاست ایالات متحده آمریکا در مورد این کشور مغایر است. به‌همین جهت آقایان اواسی و نوواک باید سری به‌محوطه سفارت آمریکا بزنند و بعضی از جزئیات مربوط به «دولت‌های» و «سایر اشخاص» خودشان را برسررسی کنند. علی‌الخصوص که آقای احمد مدنی همین چند روز پیش در صحابه بسا روزنامه‌های که این دو تن بسا این‌ها فاش‌کنی ناپذیرگی آن را به‌عده دارند گفته است که «سفارت ایالات متحده آمریکا هنوز هم از ذکر این مطلب که چند نفر آمریکایی به‌عنوان مستشار نظامی در نزد شاه بودند خودداری می‌کند. طبق برآورده نظران مستقل عنده این نوع مستشاران ۱۵ هزار نفر بوده است... در شمن ۹۵۰ مستشار نظامی هم منتصب در سفارت آمریکا بوده‌اند.»

در همین حال یادآور می‌شویم که در سال‌های ۱۹۴۶ - ۱۹۴۷ شخصی به‌نام زنجار حلق که سابقاً رئیس دستگاه «سیا» بود عهددار مقام سفارت ایالات متحده آمریکا در ایران بود. در شمن ۲۵۰۰ مایل و کارشناس در ایران برای این دستگاه کار می‌کرد. شخصی به‌نام جینی لوفی که رئیس اسبق پیشی ایران در دستگاه سیا بود شرح کارهای را که این عهددار در ایران انجام می‌دادند برای مجله «داکترین» بازگو نمود. او گفت که «سیا سفارت‌هایی برای گردنمندان ساواک ترتیب می‌داد و در این سفارت‌ها شیوه‌های بازجویی‌های مستند و شدید را به‌ایستاد می‌آموخت و دستورالعمل‌هایی در این مورد صادر می‌کرد که چگونه باید مباحثات را شکفته کرد.»

«دولتان» مزبور بدون این که یک کلمه در خصوص شکست متعسفانه و خرم‌آور سیاست آمریکا در ایران بر زبان آورند کار خرافی خود را به‌جانی کشاندند که مدعی شدند که اکنون در ایران علاوه قدرت وجود آمده است و گویا همین علاوه باید طبق نقشه «المان‌های» مسکو به‌وسیله «شمار روبرهند» حال آماده شده شوروی که عنده زبانی از آن‌ها به زبان «محل» فارسی مسلط هستند بر شرح مشهودات اواسی و نوواک در ایران با این ادعا خاتمه می‌یابد که اکثر رانندگان تهرانی چراغ سرخ راهنمای را نادیده می‌گیرند (چون اینجا به‌تعلیمی هست و به‌تعلیم «ایست» وجود دارد. گویا این موضوع را یک راننده تاکسی به‌آن‌ها گفته است.)

و اما اگر تمام جوانب این سفر دورهای دوچرخه دوفنره تحریک آمیز را در نظر بگیریم، اصولاً برای آن‌ها چراغ سرخ راهنمای وجود ندارد. آن‌ها همچنان طرف چپ راکب می‌زنند...

حال بیابید بیستم حکاک این دوفنر از جمله «دیویزیک» درباره آنها چه گفته‌است. او گفته است که:

«اواسی و نوواک... همیشه در خدمت اشاعه نظرات گروه طرفداران خط مشی خشن هستند...»

می‌آید
از فراز خیزابه‌های خون
— بی‌تفوتی باد و مباد جان —
از درون گردباد جنگ و جنون.

می‌آید
پیمان کرده
پسوند زده
پیکار کرده و پیروزی آورده
که خود
نیک و بی‌امید
شایسته نامید.

می‌گذرید
بر فرشی از لاله
از دل دالان آفرین و هلله
برمی‌آید و
می‌ایستید
برسگویی افتخار اول ماه مه.
تا شاهان
از پیشگاهشان
بگذرند و سرهایداران.
ای خاندان ارگان
ای کارگران که دست شما راست
تردستی آفرینندگی:
تراش آهن و سنگ
ساز سقا و سون
برش پیکام براندام زلندی
و رهاپندت حیات از برهنگی.
نیاتان نعلبند بود

شما چلنگر
فرزندانتان موحک خواهند ساخت
آی چه والا که شایند:
اسی رهوار گردن
قطنی گشودن
و آسما‌ها را پولیدن

این پس
که بازوان بگشایند و
جغرافیای جهان
در آغوشتان باشد

می‌شناختم
شامیان را به‌بوی شامیان
و نه به‌بوی شبنم غرق
که بر مرغ انانمان می‌نشست
نه به‌بوی روغن چرخ و دستگاه
و نه حتی به‌بوی نفت
که پیشاپیش شما می‌خوید
می‌شناختم
به عطر کار
که از هزاران می‌تراوید

و اینک می‌بینم
نه در سایه پرچم‌های سرخشان
نه در صف بی‌ایاتان
که در گریز دشمن و هراس آن
چشمان
که از زبان‌تان می‌کنند
با دقت دلالگان
و می‌اندیشم که چه خواهد شد اگر
متحد شوید
اگر متحد شوید
کارگران ایران!

یکی از شیوه‌های ضد انقلاب در فرایط کنونی تقنین بین نیروهای اصیل ضد امپریالیستی است. در عده‌ای از مطبوعات و از طرف برخی مطال - افراد - اتم از این که این مطبوعات واقفا شرقی هستند یا نیستند و اتم از این که این مطال و افراد آگاهانه عمل می‌کنند یا غیر آگاهانه، حسن‌نیت دارند یا سوء نیت، مطالب و فتاوت‌هایی در مورد مسائل سیاسی یا اشخاص می‌خورد که ممکن است مفتنان حرف‌های وابسته به ضد انقلاب که سخت گرم کارند آن‌ها را به‌بنوی به‌حرب توده ایران «بجایانند.»

بین وسیله به‌همه مردم ایران و سازمان‌های سیاسی صدیق انقلابی و ضد امپریالیستی یادآور می‌شود که نظر حزب توده ایران را فقط و فقط استاد رسمی رهبری آن و مطالب روزنامه ارگان حزب (مردم) متعکس می‌کند.

یادآوری بسیار لازم

یکی از شیوه‌های ضد انقلاب در فرایط کنونی تقنین بین نیروهای اصیل ضد امپریالیستی است. در عده‌ای از مطبوعات و از طرف برخی مطال - افراد - اتم از این که این مطبوعات واقفا شرقی هستند یا نیستند و اتم از این که این مطال و افراد آگاهانه عمل می‌کنند یا غیر آگاهانه، حسن‌نیت دارند یا سوء نیت، مطالب و فتاوت‌هایی در مورد مسائل سیاسی یا اشخاص می‌خورد که ممکن است مفتنان حرف‌های وابسته به ضد انقلاب که سخت گرم کارند آن‌ها را به‌بنوی به‌حرب توده ایران «بجایانند.»

بین وسیله به‌همه مردم ایران و سازمان‌های سیاسی صدیق انقلابی و ضد امپریالیستی یادآور می‌شود که نظر حزب توده ایران را فقط و فقط استاد رسمی رهبری آن و مطالب روزنامه ارگان حزب (مردم) متعکس می‌کند.